

چرا ترجمه‌ها در حوزه کودک و نوجوان بر تألیف پیشی گرفت؟



شناسه خبر: ۱۴۰۹۹۹ سه شنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۳ - ۰۹:۱۸

از سال ۱۴۰۱ شیب تولید کتاب‌های ترجمه نسبت به تألیف رو به افزایش بوده است، به طوری که در یکی دو سال اخیر شاهد رشد آثار ترجمه و نگرانی‌هایی در این خصوص هستیم. اما چرا کتاب‌های ترجمه بر تألیف پیشی گرفت؟

موج خبر، محمدمهدی سیدناصری؛ مدرس دانشگاه و پژوهشگر حقوق بین‌الملل کودکان

بدون تردید آشفته‌گی بازار نشر، وضعیت کاغذ و اوضاع نابسامان ناشران بر ادبیات داستانی کودک و نوجوان نیز سایه افکنده که شاید نخستین پیامد این ماجرا پیشی گرفتن آمار کتاب‌های ترجمه بر کتاب‌های تألیفی این حوزه باشد.

براساس آمار منتشر شده از سوی خانه کتاب و ادبیات ایران و مقایسه کتاب‌های تألیفی و ترجمه در حوزه کودک و نوجوان، نسبت میان ترجمه و تألیف تا سال 1396 طبیعی و منطقی به نظر می‌رسد و فاصله جدی میان کتاب‌های تألیفی و ترجمه وجود ندارد، اما از سال 1398، روند نزولی کتاب‌های تألیفی برای کودکان کلید می‌خورد و سال 1401 کتاب‌های ترجمه، بخش اعظمی از نشر کودک و نوجوان را به خود اختصاص می‌دهند.

از آن پس شیب تولید کتاب‌های ترجمه نه تنها کم نشد که زیاده‌تر هم شد، به‌طوری که در یکی دو سال اخیر شاهد رشد آثار ترجمه و نگرانی‌هایی در این خصوص هستیم. اما به‌راستی سؤال اصلی اینجاست که چرا کتاب‌های ترجمه بر تألیف پیشی گرفت؟

پاسخ به این پرسش نیازمند توجه به دلایل گسترده‌ای است که در اینجا به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم. نخستین دلیل، به‌صرفه نبودن تولید کتاب تألیفی برای ناشران است که ناشر را وادار کرده برای بقا دست به روش‌های دیگر تولید بزند و در نبود قانون کپی‌رایت چون ناشر ایرانی مجبور نیست حق تألیف بپردازد، ناخودآگاه موضوع ترجمه مطرح می‌شود به این دلیل که صرفاً دستمزد مترجم می‌ماند که معمولاً می‌توان با استفاده از یک مترجم تازه‌کار پرانرژی و کم‌توقع همکاری کرد و دستمزد کمتری پرداخت تا کتابی روانه بازار شود.

از سوی دیگر جلد و تصویرگری که از بخش‌های مهم گرافیک یک کتاب است می‌ماند و در بیشتر کتاب‌های ترجمه فقط کافی است نوشته‌های فارسی جای نوشته‌های خارجی را روی جلد بگیرد تا دوباره شاهد جریانی باشیم برای شدت گرفتن تولید کتاب‌های ترجمه، هرچند ناشر می‌تواند به جای پرداخت دستمزد به تصویرگر یا گرافیست، کتاب خارجی را روی دستگاه اسکن قرار دهد و تک تک صفحات آن را برای کتاب ترجمه شده بازیابی کند و به این صورت نقش تصویرگر هم حذف شود.

اما همانطور که می‌دانیم موضوع تقاضا نیز از اهمیت قابل توجهی برخوردار است؛ چون بررسی بازار نشان می‌دهد اقبال مخاطب به آثار ترجمه است. در جامعه ما و در عصر جدید کودکان نسل آلفا و نوجوانان کتاب‌های تألیفی را نمی‌خوانند که این مسئله هم دلایل بسیاری دارد و شاید مهم‌ترین آن «ممیزی» باشد. در کشور ما ممیزی کتاب کودک و نوجوان اغلب جنبه سلیقه‌ای دارد و کمتر به سطح کیفی آثار توجه می‌شود.

در حالی که در بحث ممیزی بهتر است این آثار توسط کارشناسان خبره و افرادی که با کودک سروکار دارند، بررسی شود تا به دور از اعمال سلیقه‌های شخصی، مسائل حائز اهمیت در حوزه ادبیات کودک و نوجوان مدنظر قرار گیرد.

پس شاید اولین مسئله‌ای که در پیشی گرفتن آمار کتاب‌های ترجمه بر کتاب‌های تألیفی به ذهن می‌رسد، مباحث فرهنگی، کم‌رمقی و کم‌رونقی ادبیات بومی است، اما این همه ماجرا نیست، چون بد نیست یأس و سرخوردگی نویسندگان، شکوفا نشدن استعدادهای نویسندگان، فراموش شدن نویسندگی حرفه‌ای و تبعات اقتصادی مثل مرگ خاموش برخی مشاغل مرتبط با تولید کتاب از جمله طراحی و تصویرگری کتاب‌های کودک و نوجوان را هم از جمله پیامدهای پیشی گرفتن ترجمه بر تألیف دانست.

بعد از همه‌گیری کرونا و خلق فناوری بلاکچین و بعد از سال 1399 شاهد حضور کودکان نسل آلفا در کشور هستیم که این کودکان نسل آلفا، نسلی پرچالش و تنوع طلب و در عین حال کارآفرین‌ترین و هوشمندترین نسل هستند. امروزه در عصر انقلاب صنعتی چهارم و زیست بوم هوش مصنوعی و متاورس و انواع پدیده‌های تکنولوژی زندگی می‌کنیم و ضروری است که صنعت نشر و تولید محتوا برای کودک و نوجوان ارتقا یابد. اگر ناشر و نویسندگانی از این قافله عقب بماند، محکوم به حذف شدن است. اکنون نیاز به یک بازاندیشی در نویسندگان، ناشران و مترجمان در حوزه کودک و نوجوان هستیم تا از مخاطبان عقب نیفتیم.

به‌هر حال نباید فراموش کرد که امروز مخاطبان در رده‌های سنی مختلف و البته این حوزه چند پله از نویسندگان و مترجمان جلوتر هستند. در حال حاضر متأسفانه آثاری که در حوزه کودک و نوجوان منتشر می‌شود بیشتر کپی است و ما نیاز به بازاندیشی در مفهوم ادبیات کودک و نوجوان داریم تا آثار خوبی را در این حوزه تولید کنیم. فضای مجازی شمشیر دو لبه است و در کنار فرصت‌هایی که ایجاد می‌کند، تهدید کننده است. از آثار تهدید کننده فضای مجازی بلوغ زودرس است که این بلوغ زودرس باعث می‌شود مخاطب به واسطه حضور در فضای مجازی با حجم وسیعی از مطالب روبرو شود که این امر نیز موجب می‌گردد مخاطب مدرن تر از نسل گذشته خود باشد.

متأسفانه در نسل جدید مؤلفان و مترجمان نوآوری دیده نمی‌شود و برخی مؤلفان کتاب‌های خارجی را به گونه‌ای بازنویسی می‌کنند که کپی است و مخاطب نسل آلفا و نسل Z که مخاطبان بومی دیجیتال هستند، این کپی بودن را می‌فهمند و این امر باعث می‌شود نسل کنونی ما نسلی باشد که با کتاب بیگانه است.

نهضت ترجمه از یک بُعد برای ادبیات کودک و نوجوان مثبت است که بهترین آثار خارجی بدون حق کپی‌رایت خریداری و در کشورمان به دست مخاطب می‌رسد. متأسفانه این نسل به خاطر عدم مطالعه و فقر کتابخوانی که دارد و در مورد سواد دیجیتال، سواد عاطفی و سواد حقوقی و مهارت‌های نرمی که در عصر هوش مصنوعی هر انسانی می‌بایست فرا بگیرد، موفق نخواهند بود. ادبیات کودک و نوجوان نسبت به ادبیات بزرگسال صرفه اقتصادی و گردش مالی بیشتری دارد، به دلیل اینکه امروزه والدین نسل اینترنت برای کودک و نوجوان خود کتاب تهیه می‌کنند.

اقتصاد نشر کودک و نوجوان بسیار اقتصاد خوبی است؛ اگر مخاطب‌سنجی درستی در این حوزه انجام شود. یکی از عواملی که می‌تواند کمک کند نویسندگان خوبی در حوزه کودک و نوجوان داشته باشیم، ناشران هستند. بنابراین اگر ناشران حوزه کودک و نوجوان هوشمندانه فکر و عمل کنند می‌توان سطح فرهنگی کشور در حوزه ادبیات کودک و نوجوان را ارتقا داد.

انتهای پیام/

انتهای پیام/